

نکاتی چند

۱. همان‌طور که از تعریف مشخص می‌شود، منظور از مفاهیم، معنای اولیه آیات است و نه آنچه که گاهی از آن به معارف یا آموزه‌های قرآنی نام برده می‌شود.

۲. هر کلام، و به ویژه کلام حکیمانه، می‌تواند از لایه‌های متفاوت مفهومی برخوردار باشد، اما این لایه‌های گوناگون منافاتی با معنای اولیه و صریح آن کلام ندارند. آموزش مفاهیم بدون آنکه منکر لایه‌های عمیق‌تر معنا و مفهوم آیات قرآنی باشد، در صدد است راهی ساده برای دستیابی عموم مردم به درک معنا و مفهوم اولیه آیات قرآن بگشاید. از سوی دیگر، نباید تصور شود که چون آیات قرآن کریم از سطوح معنایی متفاوت برخوردار است، عموم مردم راهی به فهم معنای اولیه آیات نیز ندارند!

۳. معنای اولیه یک عبارت در اصطلاح علم اصول فقه، «مدلول کلام» نامیده می‌شود؛ یعنی آنچه که یک کلام به آن دلالت دارد. گاهی «مفهوم» در برابر «مدلول» به کار می‌رود. مدلول معنایی است که مستقیماً از کلام دریافت می‌شود، اما «مفهوم» معنایی است که می‌توان به‌طور غیرمستقیم، از کلام استخراج کرد. مثلاً در آیه ۸۲ «سوره نساء» آمده است:

«فلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً.»

مدلول یا معنای اولیه آیه این است که: چرا در قرآن دقت و تدبر نمی‌کنند؟! اگر این قرآن از سوی غیر خدا بود، در آن اختلافات و تناقضات بسیاری یافت می‌شد. اما «مفهوم» این آیه - در اصطلاح فقه - که در واقع معنای غیرمستقیم و غیرصریح آیه است، چنین است که اگر در قرآن اختلافی نیست، پس این کتاب از سوی خداست. که اتفاقاً از طریق تدبر در آیه به دست می‌آید. این مفهوم اخیر، مدلول و معنای اولیه آیه نیست. شایان ذکر است، هر چند که در اصطلاح آموزش عمومی قرآن «مفاهیم» برای معنا و مدلول اولیه کلام به کار رفته است، اما باید توجه داشت که منظور از «مفاهیم»، «مفهوم» اصطلاحی در علم فقه نیست و نباید آن را با مفهوم مصطلح در فقه اشتباه کرد.

۴. همان‌طور که گفته شد، منظور از «مفاهیم» معنای اولیه کلام است. یعنی در این سطح از درک معنا، ظرایف و دقایق لغوی، ادبی و تفسیری مورد نظر نیست. برای مثال، در همین آیه سوره



مسعود و کیل

کارشناس و مؤلف کتاب‌های آموزش قرآن

اشاره

منظور اولیه و روشن از اصطلاح «مفاهیم قرآن کریم»، درک معنای عبارات و آیات قرآن است. ممکن است کاربرد «مفاهیم» برای «درک معنا» خالی از مناقشه نباشد، اما از آنجا که در جامعه رایج شده است، ما نیز درباره موضوع مورد نظر از همین اصطلاح استفاده می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: آموزش مفاهیم، آموزش قرآن،

ترجمه، درک معنا، آموزش عمومی قرآن

تعریف مفاهیم

منظور از مفاهیم، معنای اولیه عبارات و آیات قرآن کریم است. هر عبارت قرآن کریم از یک معنای اولیه برخوردار است که این معنا برای اهل زبان قرآن - عرب‌زبانان - مفهوم و روشن است. در حوزه آموزش عمومی قرآن کریم، معنای اولیه عبارات و آیات به «مفاهیم» مصطلح شده است. از این‌رو به بیان روشن، منظور از آموزش مفاهیم، آموزش درک معنای عبارات و آیات قرآن کریم است.

نساء، می‌تواند معنای تدبیر (یتدبرون) مورد بحث جدی باشد که منظور از تدبیر چیست. بدیهی است این سؤال در جای خود بسیار مهم و قابل توجه است. اما ملاک در آموزش مفاهیم، فهم و معنای اولیه است که اهل زبان، از کلامی در سطح عمومی و اولیه می‌فهمند. زیرا مخاطب قرآن کریم در وهله اول عموم مردم (ناس) هستند و قرآن تأکید دارد که همه پیامبران به «لسان قوم» سخن گفته‌اند (ابراهیم/۴)؛ یعنی سخن آن‌ها را مردم می‌فهمیده‌اند. پس نه تنها این فهم اولیه و عمومی قابل قبول و صحیح، بلکه بسیار مهم و ارزشمند است. یعنی نباید آن را در برابر فهم بالاتر، دقیق‌تر و خاص‌تر قرآن کریم ناچیز و بی‌اهمیت دانست. و یا ممکن است یک عرب‌زبان از عبارت «لاریبیه» این معنا را بفهمد که در قرآن شکی نیست. اما می‌دانیم که با دقت ادبی، این کلام چنین معنا می‌شود: «هیچ‌شکی در آن نیست». بدیهی است معنای اخیر دقیق‌تر و جامع‌تر است، اما بدان معنا نیست که معنای قبلی غلط یا غیر قابل قبول است. جالب است در روایت مشهوری از حضرت سیدالشهداء و حضرت امام صادق (علیهما السلام)؛ این سطح از فهم قرآن که مخصوص عموم مردم است، مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. البته در همین روایت آمده است که «اشارات» قرآن کریم برای خواص از مردم است. با توجه به متن روایت شریف می‌توان حدس زد که این خواص همان عالمان هستند که با فراگیری دانش می‌توانند چنین اشارات و ظرایفی را درک کنند.

۵. بدیهی است که در هر کتابی و از جمله در قرآن کریم، همه سوره‌ها، قطعاً، آیات و عبارات از نظر سختی و آسانی در یک سطح نیستند و چه‌بسا واژه یا جمله‌ای به دلیل خاصی برای عامه مردم قابل درک نباشد و نیاز به پرسش از افراد داناتر باشد. این امر ناقض مدعای مورد نظر نیست. زیرا چه کسی شک دارد که صدها و بلکه هزاران جمله در قرآن کریم وجود دارد که عامه مردم عرب‌زبان به راحتی آن را می‌فهمند. منظور از آموزش مفاهیم این است که تمهیداتی فراهم شود تا این گونه عبارات و آیات قرآن کریم که بخش قابل توجهی از کلام خدا را تشکیل می‌دهند، برای آنان که زبان مادری‌شان عربی نیست، قابل فهم و درک شود. این راه و تمهیدات در بخش‌های آینده این مقاله خواهد آمد.

۶. با توضیحات فوق روشن می‌شود، آنچه

در آموزش مفاهیم مورد نظر است، اولاً مقدم بر تفسیر، تأویل، باطن، لایه‌های عمیق‌تر و درونی‌تر آیات قرآن کریم است، و ثانیاً چنین نیست که این آموزش، مخاطب قرآن را از دانش و حقایق بیشتر و بالاتر بی‌نیاز سازد.

تفاوت «مفاهیم» با «ترجمه مصطلح»

هر چند که می‌توان مفاهیم یا معنا را «ترجمه» نامید، اما خوب است به تفاوت مفاهیم با ترجمه به معنای رایج و مصطلح نیز توجه داشته باشیم.

برخی از این تفاوت‌ها به شرح زیرند:

۱. درک معنای اولیه یک عبارت، مقدم بر ترجمه آن است. معمولاً پیش از ترجمه یک یا چند عبارت، مفهوم آن درک و سپس به زبان دوم ترجمه می‌شود. اگر ترجمه‌های متفاوت قرآن را با یکدیگر مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که در بیشتر آیات، مفاهیمی که مترجمان درک کرده‌اند، یکسان یا بسیار به هم نزدیک است، ولی ترجمه‌های آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. زیرا هر مترجم برای مفهومی که درک کرده، واژگان خاصی را به کار گرفته است و با توجه به میزان تسلطی که به زبان دوم (مقصد) دارد، ساختار خاصی را برمی‌گزیند. اما در آموزش مفاهیم، اولین معنایی که از یک عبارت درک می‌شود، مورد نظر است. این معنا معمولاً به صورت تحت‌اللفظی (کلمه به کلمه) بیان می‌شود. به این مثال توجه کنید:

«یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره/۲۱).

این آیه شریفه که از واژگان ساده و پرکاربرد و چند جمله کوتاه تشکیل شده است و ساختار بسیار روشنی دارد، در ترجمه‌های متفاوت چنین ترجمه شده است:

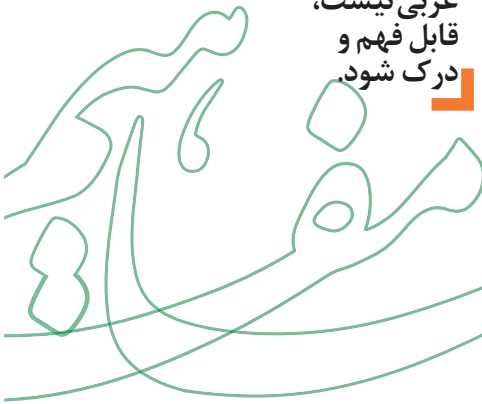
🔸 **آیت‌الله مکارم شیرازی:** ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند، آفرید تا پرهیزگار شوید.

🔸 **مرحوم استاد فولادوند:** ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید؛ باشد که به تقوا گرایید.

🔸 **مرحوم دکتر مجتبیوی:** ای مردم، پروردگار خویش را که شما و پیشینیان شما را آفرید بپرستید، باشد که پرهیزگار شوید.

🔸 **استاد بهرام‌پور:** ای مردم، پروردگارتان را

منظور از آموزش مفاهیم این است که تمهیداتی فراهم شود تا عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم که بخش قابل توجهی از کلام خدا را تشکیل می‌دهند، برای آنان که زبان مادری‌شان عربی نیست، قابل فهم و درک شود.



در ترجمه به معنای رایج آن، انتظار می‌رود مترجم با تسلط کاملی که به زبان اول (مثلاً قرآن کریم) و زبان دوم (مثلاً فارسی) دارد، تا حد ممکن ظرایف و لطایف یک عبارت را در ترجمه لحاظ کند



بپرستید که شما و کسان قبل از شما را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید.

به خوبی روشن است معنا و مفهومی که از این ترجمه به دست می‌آید، کاملاً یکسان است، اما آنچه که در ترجمه آمده است، تفاوت‌هایی با هم دارد.

در آموزش مفاهیم بر آن نیستیم که به بهترین و حتی صحیح‌ترین ترجمه دست یابیم. زیرا این دو امر، هم از توانایی و صلاحیت عموم مردم بالاتر است و هم دستیابی به آن‌ها به مقدمات و تمهیدات بسیاری نیاز دارد. بلکه از آموزش مفاهیم و درک معنا، دستیابی به معنای اولیه کلام به دور از ظرایف و دقایق لغوی و ادبی کفایت می‌کند. درست همان چیزی که در گام اول برای یک فرد عرب‌زبان حاصل می‌شود. این معنای اولیه نه تنها صحیح است، بلکه منظور و مقصود اولیه کلام را به دست می‌دهد و دستیابی به این منظور و مقصود برای یک فرد غیر عرب‌زبان بسیار ضروری، مفید و مغتنم است.

آموزش درک معنا بر ترجمه «کلمه به کلمه» مبتنی است. البته چنین ترجمه‌ای ملاحظات خاص خود را دارد که در بخش‌های مربوط به آن بیان خواهد شد.

۲. در ترجمه به معنای رایج آن، انتظار می‌رود مترجم با تسلط کاملی که به زبان اول (مثلاً قرآن کریم) و زبان دوم (مثلاً فارسی) دارد، تا حد ممکن ظرایف و لطایف یک عبارت را در ترجمه لحاظ کند؛ هر چند که این امر نه تنها درباره قرآن که کلام الهی و مافوق بشر است، بلکه در ترجمه متون ادبی نیز به‌طور کامل عملی نیست. اما این وظیفه مترجم است که در این زمینه تا آنجا که می‌تواند، تلاش کند. در آموزش مفاهیم، این سطح از دقت و صحت مورد نظر نیست و غیر از برخی نکات ساده که فراگیری آن برای عموم قرآن‌آموزان ممکن است، به سایر ظرایف لغوی و ادبی پرداخته نمی‌شود. فقط پس از مراحل اولیه، به برخی نکات ساده در ترجمه فارسی بسنده می‌شود؛ مانند آنکه بهتر است در فارسی فعل را آخر جمله بیاوریم.

در درک معنا و ترجمه کلمه به کلمه این نکته بسیار مهم است که ترجمه ارائه شده، باید صحیح، یعنی با منظور اصلی و عمومی عبارت و آیه قرآن تطابق داشته باشد و نیز قابل فهم باشد. بدیهی است این آموزش، برای درک معناست. اگر ترجمه‌ای نامفهوم ارائه شود، مقصود حاصل نشده است. از این‌رو برخی از نکات آموختنی در آموزش مفاهیم، ناظر بر

چگونگی رفع نقص و ابهام از ترجمه ارائه شده است. در این باره در بخش‌های آینده گفت‌وگو خواهیم کرد.

اینک که تا حدودی تعریف مفاهیم و آموزش آن روشن شد، مناسب است جایگاه آن در آموزش عمومی قرآن کریم مشخص شود. از این‌رو نگاهی به تعریف و ویژگی‌های آموزش عمومی قرآن کریم خواهیم داشت تا جایگاه آموزش مفاهیم در آن روشن شود.

آموزش عمومی قرآن کریم

آموزش عمومی قرآن کریم فرایندی است برای ایجاد علاقه به یادگیری قرآن و کسب دانش و مهارت‌های پایه به‌منظور انس دائمی احاد جامعه با قرآن کریم، بهره‌گیری از آن و تقویت ایمان و عمل صالح.

واژگان کلیدی تعریف

۱. **علاقه به یادگیری قرآن:** انگیزه و علاقه یکی از مهم‌ترین شرایط یادگیری است. وجود انگیزه و علاقه هم در آغاز آموزش و هم در فرایند آن ضروری است. از این‌رو، با توجه به موضوع آموزش، ویژگی‌های ذهنی، سنی، تحصیلات و توانایی‌های مخاطبان باید هم در ابتدا و هم در مسیر حرکت، به شیوه‌های مختلف در آنان علاقه و انگیزه به یادگیری را ایجاد و تقویت کرد. در آموزش قرآن کریم، به دلیل شرایط مناسب فرهنگی و اجتماعی ما، معمولاً در آغاز آموزش، فراگیرندگان از علاقه نسبی برخوردارند. اما به تدریج این علاقه کاهش می‌یابد و گاهی به ترک آموزش می‌انجامد. فراهم آوردن دانش و بینش، متناسب بودن اهداف با ویژگی‌ها و نیازهای مخاطبان، جذابیت محتوا و متنوع بودن روش‌های یادگیری و دستیابی به برودادهای عینی و قابل قبول از عناصر مهم ایجاد و تقویت انگیزه و علاقه در فرایند یاددهی یادگیری است.

۲. **دانش:** علم و آگاهی در هر امری موجب کسب بصیرت و تغییر رفتار می‌شود. شناخت قرآن، دانش لازم برای توانایی خواندن و فهم متن، جایگاه آن در میان کتب آسمانی، نقش آن در هدایت انسان و اعتلای فرهنگ و حیات بشری به ویژه در میان مسلمانان، آگاهی نسبی از آموزه‌ها و معارف آن و ضرورت بازگشت به قرآن به عنوان مهم‌ترین عامل در هدایت و وحدت

جوامع اسلامی، همه از اموری هستند که باید به نوعی در فرایند آموزش عمومی قرآن مورد توجه قرار گیرند.

۳. مهارت‌های پایه: مجموعه مهارت‌هایی هستند که برای بهره‌گیری اولیه و عمومی از قرآن کریم لازم‌اند. ضرورت این مهارت‌ها عموماً بدیهی است. البته می‌توان با استناد به قرآن کریم، سنت معصومین (علیهم‌السلام) و همچنین تاریخ تعلیم و تعلم در اسلام، دلایل کافی برای آن بیان کرد. اما از آنجا که این مسئله موضوع اصلی این نوشتار نیست و نیز در بخش بعدی مقالات یعنی «چرایی آموزش مفاهیم» به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت، در اینجا به جز اشاراتی کوتاه، از بیان کامل دلایل این ضرورت در می‌گذریم.

مهارت‌های پایه عبارت‌اند از:

الف) خواندن یا قرائت قرآن: این مهارت بر کسب توانایی خواندن قرآن تأکید دارد. خواندن قرآن از صدر اسلام تاکنون با آداب خاصی همراه بوده است؛ آیاتی همچون «و رتل القرآن ترتیلاً» (مزمّل/۴)، «یتلونه حق تلاوته» (بقره/۱۲۱) و «فاقرءوا ما تیسر من القرآن» (مزمّل/۲۰) و احادیثی مانند «فاقرء القرآن بالحن العرب و اصواتها»^۲ بر کیفیت و کمیت خاصی از قرائت قرآن دلالت دارد.

ب) درک معنای عبارات و آیات: درک معنا، همان فهم معنای اولیه آیات شریفه است. در این باره در قسمت قبل توضیحاتی ارائه شد که به تکرار آن نیازی نیست.

تذکر مهم: خواندن قرآن شامل دو جزء تلفظ الفاظ و درک معناست که این دو جزء دو روی یک سکه‌اند. به عبارت دیگر، قرائت یا خواندن بدون درک معنای مطالب خوانده شده و بسنده کردن به تلفظ کلمات و عبارات، اگر نگوییم قرائت و خواندن متعارف نیست، قطعاً یک قرائت ناقص و غیرطبیعی است. از این رو بهتر و صحیح‌تر است که خواندن و درک معنا به صورت توأمان، اولین جزء از اجزای مهارت‌های پایه آموزش قرآن محسوب شود. تفکیک این دو بخش به این دلیل است که در عرف امروز آموزش قرآن این دو بخش از یکدیگر جدا شده‌اند و عدم تفکیک آن‌ها ممکن است موجب کم‌توجهی به ضرورت درک معنا شود. در این باره و برخی مسائل آن در بخش‌های آینده بیشتر سخن خواهیم گفت.

ج) تدبیر در آیات قرآن کریم:^۴ تدبیر یعنی

به عواقب یک امر نظر کردن و در آن فکر و تأمل نمودن. تدبیر را «ژرفاندیشی و عاقبت‌اندیشی» نیز معنا کرده‌اند.^۵ تدبیر عبور از سطوح اولیه و مفاهیم ظاهری آیات و ورود اندیشمندانه به لایه‌های ژرف‌تر آیات برای کشف دقایق بیشتر آن‌هاست.

با توجه به آیات قرآن کریم به ویژه دو آیه:

۱. کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولو الالباب (ص/۲۹)
۲. افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها (محمد/ص/۲۴)

در حقیقت تدبیر جریانی فکری-روحی است که از نوعی ارتباط میان عقل و قلب پدید می‌آید. تدبیر از یک سو زمینه دریافت نکات، ظرایف، لطایف و دقایق نهانی تر آیات را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر تلاوت و رجوع مکرر به آیات قرآن کریم، موجب گشوده شدن دل و قلب آدمی و تأثیر از کلام الهی می‌شود. چه زیبا حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

و تعلموا القرآن فانه احسن الحدیث و قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است، و تفقهوا فیه فانه ربیع القلوب^۶ و در آن بیندیشید که بهار دل‌هاست.

تدبیر دارای سطوح و مراحل متفاوت است: اولین سطح «تدبیر با دقت» در آیات و معنای اولیه آن‌ها قابل دست‌یابی است. همین سطح از تدبیر برای عموم مردم، هم دست‌یافتنی و هم ضروری است. شاید آنجا که حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لا لاخیر فی قرائه لیس فیها تدبیر»^۶ همین اولین سطح از تدبیر مورد نظر و انتظار باشد.

د) حفظ قرآن کریم: حفظ آیات و سوره‌های قرآن کریم از سنت‌های نیکویی است که از صدر اسلام تاکنون براساس توصیه‌های قرآن کریم و معصومین (علیهم‌السلام) مورد توجه و عمل مسلمانان بوده است. هر چند در عصر حاضر این امر در میان مردم ما کم‌فروغ‌تر شده، اما خوش‌بختانه در چند دهه اخیر، به ویژه به دنبال توصیه‌های مقام معظم رهبری، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

آنچه در موضوع حفظ قرآن در آموزش عمومی قرآن کریم قابل توجه است، ارائه روش، تعریف

قرائت یا خواندن بدون درک معنای مطالب خوانده شده و بسنده کردن به تلفظ کلمات و عبارات، اگر نگوییم قرائت و خواندن متعارف نیست، قطعاً یک قرائت ناقص و غیرطبیعی است





قرآن کریم است، بخشی از تعلیم و تربیت دینی است، نه همه آن. البته با توجه به آنچه که در تعریف و توضیح اخیر آموزش عمومی قرآن آمد، در فرایند آموزش قرآن، با موضوعات و مطالبی روبه‌رو هستیم که بی‌تردید عناصری از تعلیم و تربیت دینی در آن‌ها وجود دارد. به بیان دیگر، آموزش قرآن نمی‌تواند و نباید نسبت به این امور بی‌تفاوت باشد. اما از آنجا که آموزش قرآن و به ویژه آموزش عمومی قرآن از زمانی آغاز و در زمانی به پایان می‌رسد، نمی‌توان از آن انتظار داشت که متکفل آموزش تمامی مسائل تعلیم و تربیت اسلامی و یا همه آموزه‌ها و معارف قرآن کریم باشد. فرد مسلمان در تعلیم و تربیت دینی خود به مجموعه‌ای از آموزش‌ها و فعالیت‌ها نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها آموزش عمومی قرآن کریم است؛ آموزشی که از سال‌های ابتدایی آموزش کودکان آغاز می‌شود و تا سال‌های جوانی ادامه می‌یابد. از سوی دیگر، هر آنچه که برای تقویت و تحقق تربیت اسلامی متریبان لازم است، باید به میزان و شکل مناسب در ارکان اصلی برنامه آموزش عمومی قرآن، یعنی تربیت مربی، محتوا، روش‌های تدریس و ... لحاظ و اعمال شود.

جامعیت آموزش قرآن

گاهی از آموزش عمومی قرآن کریم به «آموزش جامع» یاد می‌شود. این نام‌گذاری ناظر بر دوره‌ای است که آموزش قرآن از جامعیت برخوردار نبوده و به آموزش اجزایی خاص، مانند روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، صوت و لحن محدود می‌شده است. هر چند این قید به آموزش قرآن، صحیح و بجاست، اما به نظر می‌رسد اینک که خوش‌بختانه با توجه به تلاش‌های به عمل آمده در مجامع فرهنگی و رسمی کشور، مانند «شورای توسعه فرهنگ

مراحل و سطوح و ویژگی‌هایی از حفظ است که مغایر شرط علاقه و تقویت انگیزه در فرایند یادگیری برای عموم مردم نباشد.

۴. انس با قرآن کریم: حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لیکن سمیرک القرآن»؛ یعنی قرآن باید مونس و همدم تو باشد. انس با قرآن کریم دارای مراتب گوناگون است و مجموعه‌ای از علائق، اعتقاد و ایمان، و کسب هدایت از قرآن را شامل می‌شود و لازمه همه مراحل و مراتب آن، خواندن مستمر قرآن، درک معنای آیات، تدبیر در آیات و پای‌بندی به آموزه‌های الهی در همه شئون زندگی است. بدیهی است دستیابی به چنین انسی، تدریجی است یعنی در طول زمان از نظر کمی و کیفی ارتقا می‌یابد و نیز عمق آن متناسب با سایر ویژگی‌ها و توانایی‌های افراد است.

۵. بهره‌گیری از قرآن کریم: پیوند علم و عمل از آموزه‌های بسیار ارزشمند ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام است. آموزش قرآن از آغاز تا پایان باید از شرایط، محتوا و روش‌هایی برخوردار باشد که علاوه بر تعلیم دانش و مهارت‌های مورد نظر، تربیت قرآن‌آموزان را مورد تأکید و توجه جدی قرار دهد. موضوع عمل به آموزه‌های قرآنی بدیهی‌تر از آن است که نیازمند دلیل و شاهد باشد و لذا حال کلام خود را فقط به این سخن پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) زینت می‌بخشیم که می‌فرمایند: «قرئوا القرآن و اعملوا به»!

۶. ایمان و عمل صالح: از مهم‌ترین مصادیق بهره‌گیری از قرآن کریم تقویت ایمان و عمل صالح است و از آنجا که ایمان و عمل صالح از پریسامدترین واژگان و ترکیب‌هایی است که قرآن کریم آن دو را شرط اصلی سعادت و رستگاری هر انسان می‌داند، تقویت آن به منظور دست یافتن به یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش عمومی قرآن، در تعریف، مورد توجه و تصریح قرار گرفته است.

نکاتی چند

نسبت آموزش عمومی قرآن کریم با تعلیم و تربیت اسلامی

توضیح آنکه هر چند ممکن است همه تعلیم و تربیت اسلامی را به نوعی آموزش قرآن دانست، اما آنچه امروزه منظور از آموزش عمومی

گاهی از آموزش عمومی قرآن کریم به «آموزش جامع» یاد می‌شود. این نام‌گذاری ناظر بر دوره‌ای است که آموزش قرآن از جامعیت برخوردار نبوده و به آموزش اجزایی خاص، مانند روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، صوت و لحن محدود می‌شده است



هر آموزشی باید از جامعیت برخوردار باشد. در این صورت است که آموزش قرآن، آموزشی جذاب، معنادار، متناسب با آموزه‌های دینی (یعلمهم الكتاب والحکمه، خیرکم من تعلم القرآن و علمه) و مطلوب و مقبول خواهد بود و می‌توان از آن به «تعلیم کتاب الله» یاد کرد

شد، تبیین موضوعات متفاوت مربوط به آموزش مفاهیم است. مطالب ارائه شده می‌تواند برای متون آموزشی فعلی و یا متون جدید که با نگاه درهم تنیده اجزای آموزش جامع تدوین خواهد شد، مورد استفاده قرار گیرد.

آموزش عمومی قرآن کریم و آموزش سنت معصومین (علیهم‌السلام)

با توجه به نکته اول، آموزش عمومی قرآن کریم، بخشی از تعلیم و تربیت دینی است و بنابر آموزه قطعی قرآن کریم و حدیث متواتر ثقلین، تمسک به قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم (ص) شرط رستگاری و دوری از گمراهی است. از این رو ممکن است سؤال شود: جایگاه تعلیم و آموزه‌های امامان معصوم (علیهم‌السلام) در این آموزش عمومی کجاست؟ پاسخ این است که آنچه در این آموزش بیان می‌شود، برگرفته از کتاب و سنت معصومین و موافق با آموزه‌های ثقلین است. به علاوه، تأکید بر آن است که علاوه بر آیات قرآن کریم، به تناسب موضوعات، به‌طور مستقیم از روایات معصومین نیز استفاده شود. به این ترتیب اکتفا به نام قرآن کریم در این آموزش، ضمن آنکه نشان‌دهنده موضوع اصلی آموزش است، نباید موجب این تصور شود که این آموزش به دور و بی‌توجه به آموزه‌های اهل بیت گرامی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) است.

تذکری درباره تدبیر

به موضوع ضرورت آموزش مفاهیم و اجزای آن، در فصل آینده خواهیم پرداخت. اما مناسب است با توجه به اهمیت و تازگی آموزش روش‌های تدبیر در آیات قرآن کریم، به‌عنوان یکی از مهارت‌های پایه در آموزش عمومی قرآن، علاوه بر آنچه در این‌باره در قسمت مهارت‌های پایه آموزش عمومی قرآن آمده است، یعنی آیاتی از قرآن کریم و روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که به ضرورت تدبیر دلالت دارد، به بیانی از **امام خمینی (ره)** نیز توجه شود. ایشان می‌فرمایند:

«تفکر و تدبیر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه نموده‌اند، و به واسطه آن رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده، عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند. در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ‌وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.»^۱

قرآنی^۲، تحولات آموزش قرآن در مدارس کشور و نیز برنامه آموزش قرآن در مؤسسات مردمی، به جامعیت آموزش قرآن توجه می‌شود، ضرورت تأکید و تصریح به جامعیت آموزش، کمتر شده است.

در واقع هر آموزشی باید از جامعیت برخوردار باشد. در این صورت است که آموزش قرآن، آموزشی جذاب، معنادار، متناسب با آموزه‌های دینی (یعلمهم الكتاب والحکمه، خیرکم من تعلم القرآن و علمه) و مطلوب و مقبول خواهد بود و می‌توان از آن به «تعلیم کتاب الله» یاد کرد. از این رو با توجه به نکات فوق، آموزش عمومی قرآن باید حداقل از دو حیث جامع باشد: یکی آنکه به همه مهارت‌های پایه در یادگیری قرآن بپردازد، و دیگر آنکه باید ضمن آموزش این مهارت‌ها، دین خود را به تربیت دینی متربیان ادا کند.

تفکیک یا تلفیق

با ورود آموزش مفاهیم به آموزش عمومی قرآن کریم، برنامه‌ها، کتاب‌ها و متون آموزشی به‌گونه‌ای تدوین شده‌اند، که پس از آموزش روخوانی و روان‌خوانی به آموزش مفاهیم یا درک معنا پرداخته می‌شود. به تدریج برخی از برنامه‌ریزان، مؤلفان و استادان آموزش قرآن این سؤال را مطرح کردند که: آیا اجزای اصلی آموزش عمومی قرآن باید به صورت خطی و در طول یکدیگر آموزش داده شوند و یا بهتر و منطقی‌تر آن است که از آغاز، این اجزا در کنار هم و به صورت درهم تنیده، متناسب و متعادل آموزش داده شوند؟ به‌نظر می‌رسد چنین برنامه‌ای از منطوق و روش بهتر، جذاب‌تر و مؤثرتری برخوردار باشد و امید است به زودی شاهد تدوین برنامه، محتوا و روش‌هایی باشیم که با این نظر هماهنگی دارند. آنچه در سلسله مقالات به آن پرداخته خواهد

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب‌الله عزوجل علی اربعة اشیا، علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للذویاء و الحقائق للاتباء (بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰، روایت ۱۸، و ص ۱۰۳، روایت ۸۱)
۲. با استفاده از: کتاب مبانی و روش آموزش قرآن در دوره راهنمایی، مجموعه مؤلفان، کد ۱۰۰/۲، از کتاب‌های مراکز تربیت‌معلم آموزش و پرورش.
۳. اصول کافی، ج ۴، کتاب فضل القرآن، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، حدیث ۳.
۴. قاموس قرآن، علی‌اکبر فرشی، ذیل ریشه «دیر».
۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۹.
۶. کتاب کافی، ج اول، کتاب فضل العلم، باب صفة العلماء، حدیث ۳.
۷. غررالحکم، فصل ۷۱، حدیث ۷۶.
۸. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۱، حدیث ۲۲۷۰.
۹. از جمله نگاه کنید به اهداف آموزش عمومی قرآن کریم مصوب شورای توسعه فرهنگ قرآنی.
۱۰. قرآن، کتاب هدایت، تبیان، دفتر سیزدهم، ص ۱۶۹.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج‌البلاغه
۳. فرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۵): قاموس قرآن، ناشر: دارالکتب‌الاسلامیه